irannewspaper.ir

• سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ • سال سی‌ام • شماره ۸۴۲۳
• اذان ظهر ۱۲/۱۴ • اذان مغرب ۱۸/۲۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۲ • اذان صبح فردا ۴/۵۴ • طلوع آفتاب فردا ۶/۱۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
• مهدی مهرپور (اقتصادی)
• زرین رستمی وند (اجتماعی)
• بنفشه غلامی (جهان)
• لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
• زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
• مهدی کلهرنژاد (اجرایی)
• حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری)
• ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی
ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها
فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید
فصل تقسیم غزل ها و غزلخوانی ها

قیصر امین پور

سخن روز

حضرت محمد (ص):

اگر می توانید هر روز را، نوروز کنید؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید.

دعائم الاسلام، ج۲، ص۳۲۶

نگاره

این صدای گریه بی تاب کودکان است
ای خدا مادر چرا چون شمع نیمه جان است

محمد مهدی سیار

نقل قول

هدف طنز آگاهی رساندن و تفکر است

مخاطب وقتی خوراکی در تلویزیون ندارد به سینما گرایش پیدا می کند. ذات سینما نیز تمایلی به طنز ندارد چرا که طنز با سیاست و دوگانگی همراه است که به شما غذای شیرینی را می‌دهد که ته آن تلخ است اما سینما همه را می جود و در انتها شیرینی را به مخاطب می‌دهد؛ چراکه هدف سینما، فروش است. هدف طنز آگاهی رساندن همراه با لبخند است ولو اینکه انتهای داستان، مخاطب گریه کند ولی باید در انتهای طنز به تفکر رسید. به آگاهی درونی و بیرونی رسید. این طنز شما را می خنداند اما در نهایت به تفکر می‌رسید؛ مانند آثار چاپلین که سختی‌ها و تلخی‌ها را در قالب طنز نشان می‌دهد. خود من با برخی آثار چاپلین بغض می‌کنم.

بخشی از صحبت‌های نادر سلیمانی با ایرنا

کلمه

محسن نفر
آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

موسیقی، پژواک حق (۶)

اصلاً چه چیز پژواک حق نیست؟ همه چیز پژواک حق است. بدی‌ها و شرور هم پژواک حق است؟! اگر خدا مالک علی الاطلاق است، همه چیز، مملوک اوست. یا بی‌واسطه و یا با واسطه. حق تعالی گاهی خوبی‌ها و خیرات را بی‌واسطه انزال می کند. مانند برف و باران و آفتاب و مهتاب و سایر رَحمات دیگرش! و گاهی هم به واسطه عوامل و عناصر دیگرش!

رب العالمین، نظام هستی را، نظام اسباب و مسببات قرار داده. همه چیز در چرخه علل و معالیل قرار دارد. حتی معجزه که علتش اراده مستقیم رب‌العالمین است. پس هر اتفاقی علتی دارد و معلول چیزی است. علل و معالیل، اسباب و مسبباتند. همه چیز در چرخه این اصول قرار دارد.

اگر هم برای طفره و سر باز زدن از آن، مانند دیوید هیوم و سایرین، در مقابلش چشم خود را ببندیم، نظام هستی، کار خود را براساس علت و معلول به پیش می برد. باور به نقض آن، از عدم اطلاع و جهل در مقابل علل است. ما بیشتر با معالیل روبه‌رو هستیم تا علل. هرجا علت را بشناسیم، مواجهه ما با وقایع، واضح‌تر است. اما در مقابل معلول (حادثه‌ای) که از علت آن غافلیم، مواجهه، مرموز و مشکوک می‌شود! پس معلولی که علت آن ناشناخته است، واقعیتی بی‌وضوح و مرموز و موضوع حرف و حدیث است. اما بشر، در مقابل کنکاش ذهنش برای یافتن علت و جست‌وجوی آن، ناتوان و جویا است! اصلاً جویایی و جوئیدن، حاصل جست‌وجوی علت است! چرا بشر جست‌وجو می کند؟ برای اینکه علت‌ها را بشناسد! آن‌کس که به دنبال گنج یا بادآورده‌ای است، به دنبال علت است؟ اگر علت را بشناسی، به دنبال معلول می‌روی! شناخت علل، جست‌وجوی معالیل را در پی دارد. جوینده گنج، علت را شناخته است. می داند که گنج‌هایی از روزگاران گذشته، مدفون و یا موجود است. به آن یقین دارد. پس درپی آن (گنج) دوان می‌شود.

اگر علم به علت نداشت، اصلاً گنجی را قائل نبود. پذیرش گنج، معلول یقین به علت آن است. پس اگر به دنبال معلول باشی، علت را قبول کرده‌ای. خواه مستقیم و جزمی و خواه غیرمستقیم و ناخودآگاه. تفاوت عالم و عامی، در همین است. عالم، در پی علت روان است و عامی در پی معلول دوان است. عالم، در تاریخ پژوهش می کند که چه ازمنه‌ای گنج‌ها بوده و بیشترند. عامی، دنبال می کند که کجا بیشترند و مکانشان کجاست. پس عالم، در جست‌وجوی زمان و وقت است و عامی در جست‌وجوی مکان و بخت! اگر زمان به مکان منتهی شود، آخرِ وجود است. قیامت، زمانی است که مکان به انتها رسیده باشد. اگر هستی و مکان، گنجایش و ظرفیت تداومش به انتها رسد، پایان هستی و همان قیامت است که با آن آغاز هستی‌های دیگری رقم می خورد! باری، معلول‌گردی، علت شناسایی را در ضمیر دارد و علت‌شناسی، مرحله‌ای رفیع‌تر از معلول‌گردی است! «سیروا فی الارض»، مرحله معلول‌گردی و معلول‌یابی است که مقدمه علت‌شناسی و علت‌یابی است و تفاوت فیلسوف و دانشمند در این است که فیلسوف، علت را شناخته و معلول را جست‌وجو، شناسایی و معرفی می کند ولی دانشمند در دایره معالیل دوان و گاهی سرگردان می‌ماند. زیرا در چرخه اسباب و مسببات، در دَوَران است و با دیدن هر سببی به دنبال مسبب آن است و مسبب را پایان پژوهش و جست‌وجو می‌داند و این همان دَوَران و گم‌گشتگی است. در حالی که فیلسوف به دنبال مسبب اعلا و اَتَم است و از مسببات واسطی، راضی و خرسند نیست. ضمن آنکه اصلاً اگر علت‌شناسی اصل اصیل نبود، پژوهش و طلبی، رخ نمی‌داد و اصلاً علم، تحقق نمی‌یافت. تحقق علم، برای علت‌شناسی است و این صفت ذاتی بشر، علت تامه علم و تحقق آن است. باری، هستی و وجود، معلول حق تعالی و پژواک او و علیت اوست! موسیقی، یعنی نوای خوش، آوای هستی و وجود است که از آحاد موجودات آواز می‌شود. اگر از سینه هنرمند باشد، با ساز و آواز و اگر از بقیه موجودات، با نعره و نوا. حال، چگونه پژواک حق است؟ نعره موجودات، پژواک حق است در مواجهه با جلال حق. اگر به مَشاهد جلال برخوری، شاهد رفعت و صولت و شوکت حق می‌شوی و این مقام نهیب و عتاب است که در مقابل عظمت و بزرگی و جلال حق، مرعوب، خائف، خاضع و خاشع شوی و اگر به مراتب جمال رسی، شاهد رأفت و لطافت و نرمش و مهربانی و زیبایی می‌شوی که جذبه، مقام جذب و مجذوبیت است. اما فریبِ فریب دارد.

شیوه چشمت فریب جنگ داشت
ما ندانستیم و صلح انگاشتیم

در نعره و نهیب، فریبی نیست. اصولاً خشم و خشونت، بی‌پرده وعیان است. بی‌پردگی و انکشاف، نتیجه و حاصل است. مقدمه نیست. فریب، مقدمه است و نتیجه آن، سقوط و افول و باختن است. زیبایی، مقدمه است. مقدمه زیبا، کلی است که در موضوعی (جزئی) خلاصه می‌شود. اگر توانستی از زیبایی به زیبا نرسی و آن را در حق تعالی مشاهده کنی، فریبِ فریب نخورده‌ای ولی اگر آن را در شخص یا چیزی ببینی، فریب خورده‌ای! یعنی چه؟ منکر زیبایی شخص یا چیزی شوم؟! خیر. ولی از شخص و چیز، به خالق آن برس. یعنی از زیبا به زیبایی برس و ببین که آن حقیقت تمام و اعلا، چگونه در اشخاص و اشیاء، تجلی کرده است. مواجهه با مقام جمال و مشاهده زیبایی، فریب توقف دارد. توقف در زیبا. جمال، خود، فریبی است که حاصلش فریب است. جمال فریب است؟ یعنی چه؟ یعنی خطر سقوط و پرتگاه در آن است. بسیار قوت و استحکام لازم است تا در مقابل زیبا، سقوط نکنی! سقوط یعنی چه؟

دعای روز یکم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيامِي فِيهِ صِيامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيامِي فِيهِ قِيامَ الْقَائِمِينَ وَ نَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يا عَافِياً عَنِ الْمُجْرِمِينَ

خدایا روزه ام را در این ماه روزه روزه داران قرار ده و شب زنده داری ام را شب زنده داری شب زنده داران و بیدارم کن در آن از خواب بی‌خبران و ببخش گناهم را در آن ای معبود جهانیان و از من درگذر، ای درگذرنده از گنهکاران.

هنر کارآفرینی

طلا تنهاست

سیداصغر نوربخش
روزنامه‌نگار

هرچه که در کائنات می‌بینیم، تنها نیست. همه‌چیز، با دیگری درآمیخته، جان گرفته، چیز تازه‌ای شده. تنهایی، در قاموس جهانِ هستی نیست. جز خالق‌اش. طلا هم تنهاست؛ عنصری‌است که با دیگران نمی‌جوشد. با چیزی نمی‌سازد. یکه می‌ماند و جدامانده از دیگران. دیگران دائماً تغییر می‌کنند. از این روبه آن رو می‌شوند. چیز تازه‌ای می‌شوند و جان دوباره‌ای می‌گیرند. اما طلا، همان می‌ماند؛ بدون تَغییر و همراهی. اینکه بگوییم طلا ارزشمند است و تاج سر عناصر، درست است، اما قاعده جهان، با این سلطانی، همسانی ندارد. جهان می‌خواهد که تولید کند. بسازد. حرکت کند. ارتقا یابد. طلا اما، اینها را نمی‌خواهد. همانی هست که بود. همانی خواهد بود که هست. پس، طلابودن، هنر نیست، چراکه تنهایی، بی‌هنری‌است.

در جریان جامعه نیز، تنها بودن، آدم‌ها را به جلو نمی‌برد. آینده‌شان را نمی‌سازد. تنها بودن، کسی را خوشبخت نمی‌کند. به موفقیت نمی‌رساند. با هم بودن، امتزاج و همراهی، چرخ روزگار را به‌درستی می چرخاند و جان تازه‌ای به جهان می‌دهد. درعرصه هنر و فرهنگ نیز، اوضاع این‌گونه است. مثلاً فرهنگ خوبی در تئاتر وجود دارد که با همه مشکلاتی که این هنر با آن دست به گریبان است، توانسته، زنده بماند و پویایی‌اش را حفظ کند. هرکه می‌خواهد پس از گذراندن دوره آموزش، وارد کار تئاتر بشود، حتماً باید عضو یک گروه تئاتری بشود یا خودش یک گروه درست کند. آدم تنها در تئاتر، اصلاً دیده نمی‌شود. در موسیقی هم اوضاع، تقریباً به همین شکل است. درسینما هم، دفاتر سینمایی، حکم گروه را دارند. در حوزه ادبیات هم؛ گرچه فعالان‌اش با موفقیت، میانه دارند اما پای معیشت هنرمندان‌اش، گاهی و کمی، لنگ می‌زند. اما مثلاً آن‌دست نویسندگانی که با یک ویراستار و ناشر و حتی با یک طراح جلد مشخص، کار می‌کنند، کارشان بهتر می‌گیرد. هنرمند نقاشی که با نمایشگاه‌گردان و گالری‌دار شناخته‌شده‌ای، مراوده دارد، آثارش دیده می‌شود.

در کل، آنهایی که با هم هستند، کمتر دچار روزمرگی‌ها می‌شوند و دائماً در تلاش برای خلق تازگی هستند. حالا، جهان، جهان استارتاپی است. چند نفر دور هم جمع می‌شوند، ایده‌ای را پی می‌گیرند و با تمام وجود به سمت تولید آن ایده، مایه می‌گذارند. نتیجه‌اش هم می‌شود کسب و کارهایی که ظهور می‌کنند و برخی از آنها، جزو موفقیت‌ترین‌ها می‌شوند. چه بسیار نیازها و مشکلات آدم‌های جامعه، رفع می‌شود و محیط زندگی، زیباتر. در عرصه فرهنگ و هنر کشورمان، آنچه که لازم است دگرگونی ایجاد کند، همین تیم‌ساختن‌ها و گروه ایجادکردن‌هاست. اینها، سبب پیشرفت و بالا آمدن سر هنرمندان و فعالان فرهنگ وهنر می‌شود. دراین میان، زیست‌بوم‌شناسی متولیان و کارگزاران، امری ضروری است و می‌باید که آنان، گستره فعالیت‌های گروهی را بشناسانند و راه درست و همراهی را بنمایانند. پس بهتر است، طلا بودن را فراموش کنیم. فولاد باشیم.

فضای مجازی

باشد که هنر، ندای صلح جهانی سر دهد

علی قمصری که طی چند روز گذشته تصنیف «بیدار شو»اش با صدای همایون شجریان منتخب جشن «حافظ» شد و جایزه گرفت، در خبری دیگر اعلام کرد در یک رویداد بین‌المللی هم انتخاب شده است و دراین باره در صفحه اینستاگرامش نوشته: «ظاهراً اسب اقبالم در روزهای پایان سال، پرشتاب شده. به مهریزدان، برای یکی از مهم‌ترین و تخصصی‌ترین جوایز جهانی موسیقی کلاسیک به نام **Bravo Awards** انتخاب شده ام. همزمانی اتفاقی این رویداد با نوروز را به فال نیک می گیرم و در روز نخست سال جدید در آن حضوری موسیقایی خواهم داشت و امیدوارم که این زورق با جریان انرژی شما به منزل برسد و با دستی خالی از این رویداد باز نگردم. در تالار تاریخی بولشوی به همراه ارکستر سمفونیک مسکو، قطعه «برگ» را خواهم نواخت و شانس خود را برای سربلند شدن امتحان خواهم کرد. باشد که هنر، ندای صلح جهانی سر دهد، تار ایرانی، صدای رسای ایرانمان شود و هدیه‌ای در لحظه شکفتن سال جدید برای شما داشته باشم.»

روایت‌های زندگی انیس نقاش

حامد خسروشاهی با انتشار تصویری از کتاب «کودکان و سرنوشت ها» در صفحه اینستاگرامش در شرح آن نوشته: «تو نباید با کرونا به ملاقات مرگ می‌رفتی آقای انیس نقاش. بعد از ده‌ها سال کار با سلاح و مواد انفجاری، ده‌ها عملیات از جنوب لبنان تا قلب اروپا، ۱۳۰ روز اعتصاب غذا در زندان‌های فرانسه، سازماندهی ده‌ها مبارز و سالم بیرون آمدن از دل آتش‌ها، چرا با کرونا؟ و این مصداقی است برای اینکه مرگ بی خبر می‌رسد. انیس نقاش مبارز لبنانی است که افکار عمومی، او را با عملیات اعدام انقلابی شاپوربختیار و حمله به مقر اوپک و گروگان‌گیری وزرای نفت برای توجه‌دادن به مسأله فلسطین به خاطر دارند. بتول خدابخش همسر ایرانی او، خاطراتش را ترجمه و انتشارات «ایران» آن را منتشر کرده است؛ کتابی به غایت خواندنی.»

امید رهایی هست...

علیرضا قربانی ویدیویی از اثر تازه‌اش با عنوان «گفت‌وگو» را منتشر کرده و در شرح آن آورده: «امید رهایی هست...
قطعه «گفت‌وگو» با شعر زیبا و کم‌نظیر حسین منزوی، شرح حال همین روزهای ماست در دنیایی که بیشتر از پل، دیوار ساخته‌ایم و بیشتر از گفت‌وگو، مجادله کرده‌ایم و مگر غیر این است که اگر راه گفت‌وگویمان بسته شود، دست‌هامان از هم گسسته می‌شود و چه تنها و بی‌قدرت خواهیم شد. مگر ما «ما» می‌شویم بدون فهم همدیگر و پذیرش آرای مختلف، که آینده سرزمین‌مان ایران جز به اتحاد و همدلی‌مان روشن نخواهد بود. ویدیوی پیش‌رو بخشی از قطعه «گفت‌وگو» در اجرای زنده کنسرت‌های دی‌ماه ۱۴۰۲ تهران است. شعر این کار سروده حسین منزوی، ملودی کلام، سیاوش ولی‌پور، تنظیم و ارکستراسیون حسام ناصری است.»

«داشتن یا بودن؟» مسأله این است

وحید یامین‌پور در صفحه اینستاگرامش اعلام کرده در شب‌های ماه مبارک رمضان با برنامه «کلمه» با محوریت گفت‌وگویی پیرامون حکمت و معرفت از شبکه یک سیما میزبان خانه‌های شما خواهد بود. او در یک استوری به موضوع اراده و موفقیت اشاره داشته و در این زمینه نوشته: «تا حالا خواسته‌اید که موفق نباشید؟! اراده به موفقیت، آرمان مدرن پرفشاری است که جامعه امروز از صدر و ذیل و کنج و کنار روی سر افراد آوار می‌کند. اضطراب کنکور و آزمون‌های استخدامی، کشف کوتاه‌ترین راه‌های کسب ثروت، به روز کردن همه چیز، داشتن یک تعطیلات متفاوت در یک هتل ساحلی، خریدن مدل جدید گوشی و خودرو و از همه خشونت بارتر، ارزیابی و قضاوت اجتماعی از «موفق» بودن یا نبودن که بر اساس «داشتن یا نداشتن» است و... اینها سیطره فطرت جاه‌طلب و کمیت گرای عصر ماست که انبوهی از افسردگی و اضطراب و احساس نگون‌بختی را برای ما به ارمغان آورده. چه کسی را یارای برون رفتن از این سیطره و تشرف به فطرت ثانی است؟ ما تا حالا نخواسته‌ایم که موفق نباشیم چون نمی‌توانیم که نخواهیم. پیشتر از قول شکسپیر می‌سرودند: «بودن یا نبودن؟!» امروز باید از قول گابریل مارسل پرسید: «داشتن یا بودن؟» مسأله این است.»

عکس نوشت

همایش «تالش در آینه فرهنگ و تاریخ ایران» در سالن همایش‌های نهاد رهبری دانشگاه آزاد اسلامی رشت با حضور چهره‌هایی از تالشی‌های جمهوری آذربایجان ساکن اروپا برگزار شد. در این همایش که با نوروزی‌خوانی تالشی آغاز شد با سخنرانی چهره‌هایی همچون احمد کاظمی استاد حقوق بین‌الملل، ابوالفضل بهشتی عضو هیأت مدیره خانه مردم اتحادیه اروپا و محمد رضایتی عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان و پژوهشکده گیلان‌شناسی و نیز اجرای موسیقی و شعرخوانی ادامه یافت. بوریس تالشنسکی جانشین مرحوم ژنرال اکرم‌زاده بنیانگذار جمهوری تالش مغان در قفقاز جنوبی میهمان ویژه این گردهمایی نمادین بود. وی گفت ایران سرزمین تاریخی ما تالش‌هاست و من امروز به سرزمین مادری خود قدم گذاشته‌ام. حاضران بارها او را ایستاده تشویق کردند.

عکس: ایران